

بیانات مقام معظم رهبری

در

جزء مطهر رضوی

(۱۳۹۸/۱/۱)

جزوه شماره ۶



کاری از موسسه آموزشی پژوهشی میثاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمين و الصلّاء و السّلام على سيّدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمّد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداء المهديين المعصومين المكرمين سيّما بقيّة الله في الارضين. اللهم صلّ على وليّك علىّ بن موسى الرضا عدد ما في علمك صلاةً دائمةً بدوام ملكك و سلطانتك، اللهم سلّم علىّ وليّك علىّ بن موسى الرضا عدد ما في علمك سلاماً دائماً بدوام مجدك و عظمتك و كبريائك.

ميلاد مبارک پیشوای عدالت و امیر همیشگی مؤمنان در طول تاریخ، حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب را که نوروز حقیقی است تبریک عرض میکنم. همچنین تبریک عرض میکنم حلول سال نو و عید نوروز را که سلیقه‌ی زیبای ایرانی، این روز را آغاز سال قرار داده است و سال شمسی ایرانی، سال هجری ایرانی از آغاز بهار و از عید نوروز شروع میشود. همچنین ایام اعتکاف را به دل‌های نورانی معتکفین تحیت و تهنیت عرض میکنم؛ امیدوارم رحمت الهی و تفضّل الهی و اجابت پروردگار عالم به انفاس زکّیه‌ی معتکفین ما، شامل حال همه‌ی ملت ایران و همه‌ی آحاد -بخصوص جوانان ما- بشود. خدای متعال را سپاسگزارم که توفیق داد یک بار دیگر به مناسبت آغاز سال نو با شما مردم عزیز، مجاوران و زائران در پرتو لمعات بقعه‌ی مبارکه‌ی رضویّه ملاقات کنم.

مطلبی را که امروز من آماده کرده‌ام تا با شما برادران عزیز و خواهران عزیز در میان بگذارم، چهار موضوع است که امیدوارم بتوانم آنها را با اختصار به عرض شما برادران و خواهران برسانم. یک موضوع درباره‌ی سال جاری است یعنی همین سال ۱۳۹۸؛ یک موضوع به مناسبت و درباره‌ی مسائل غرب و مسائل ما با دولتهای غربی است؛ موضوع سوّم درباره‌ی اقتصاد و شعار امسال است که عبارت باشد از شعار رونق اقتصادی؛ و موضوع آخر و چهارم، سخنی است با جوانان عزیزمان درباره‌ی مسائل کشور، مسائل آینده، و مسائل انقلاب.

درباره‌ی مسائل مربوط به سال جاری، انسان میبیند که بعضی از گویندگان یا نویسندگان یا صاحب نظران یا اظهار نظرکنندگان درباره‌ی سال ۹۸ اظهار نظر کرده‌اند که این سال، سال تهدیدها است. بنده مطلقاً این را قبول ندارم؛ من معتقدم سال ۱۳۹۸ به توفیق الهی سال فرصتها است؛ سال امکانات و سال گشایش. البته آن کسانی که اظهار نظر دیگری میکنند و دائم تهدید به رخ این و آن میکشند، دانسته یا ندانسته تحت تأثیر رجز خوانی‌های دشمنان این

ملّتند. دشمنان این ملّت علاوه بر آنچه در واقعیت انجام میدهند، جنگ روانی هم دارند، اظهار نظر هم دارند، رجزخوانی هم دارند. این رجزخوانی‌ها باید همان طور که هست، دانسته بشود. اینها درباره‌ی سال ۹۷ هم از همین رجزخوانی‌ها داشتند و سعی میکردند توی دل بعضی‌ها را خالی کنند. یکی از همان احمقهای درجه یک که چند وقت قبل آنها را معرفی کردم، در اواسط یا اوایل سال ۹۷ گفت که ما اگر از برجام خارج بشویم - یعنی اگر آمریکا خارج بشود - در خیابانهای ایران شورش اتفاق می‌افتد، مردم نان هم دیگر نمیتوانند بخرند. یکی دیگر از همین حضرات احمقهای درجه یک، اظهار نظر کرد که در سال ۲۰۱۹ آقایان آمریکایی‌ها کریسمس را در تهران خواهند گرفت. خب اینها حرفهایی است که زدند. من نمیدانم؛ یعنی واقعاً دو نظر وجود دارد که آیا اینها واقعاً تحلیلشان این قدر نسبت به مسائل منطقه و کشور دور از واقعیت است که این حرفها را جدی میزنند یعنی واقعاً گفتن این حرفها [از] حماقت است؟ یا نه؛ قصد جنگ روانی دارند و خباثت میکنند و این حرفها را پخش میکنند در فضای رسانه‌ای عالم به منظور جنگ روانی؟ این برای من روشن نیست؛ ممکن است هر دو باشد، هم حماقت، هم خباثت.

و اما اینکه گفتیم سال ۹۸ سال فرصتها است، در این باره من مقدار کمی توضیح بدهم: مشکل عمده‌ی کشور ما فعلاً مشکل اقتصادی است و مسئله‌ی معیشت قشرهای ضعیف؛ بخشی از این مشکل مربوط است به تحریم قدرتهای غربی یعنی آمریکا و اروپا؛ بخشی هم مربوط میشود به نقایص درونی خود ما، به ضعفهای مدیریتی خود ما. هم تحریم میتواند فرصت باشد - که توضیح میدهم - و هم مشاهده‌ی این ضعفها و نقصها میتواند برای ما تجربه‌های گران‌بهایی برای آینده و برای مدیریت سالهای بعد کشور به وجود بیاورد؛ هر دوی اینها میتواند فرصت باشد.

اما تحریم میتواند فرصت باشد؛ چرا؟ زیرا تجربه نشان داده است کشورهایی که از منابع طبیعی - مثل نفت - برخوردار هستند، هر وقت درآمدهایشان از ناحیه‌ی این منابع کاهش پیدا میکند، اینها به فکر اجرای اصلاحات اقتصادی می‌افتند، انگیزه پیدا میکنند، انگیزه‌ی اصلاحات پیدا میکنند، انگیزه پیدا میکنند که خودشان را از وابستگی نجات بدهند و اقدامات مناسبی را انجام میدهند. این مال وقتی است که درآمد حاصل از آن منابع طبیعی کاهش پیدا میکند؛ بعد که این منابع دوباره به حال اول برمیگردد و منابع مالی مورد استفاده‌ی آنها افزایش پیدا میکند، از ادامه‌ی کار اصلاحات غفلت میکنند، فراموش میکنند. پس فشار کاهش درآمد منابع

طبیعی، این حُسن بزرگ را نه فقط برای ما، [بلکه] برای همه‌ی کشورهای مشابه ما دارد که آنها را از وابستگی به این منبع طبیعی، از این تک محصولی بودن، از این اقتصاد نفتی - که یکی از بزرگ‌ترین مشکلات اقتصاد ما این است که نفتی است، وابسته به نفت است - نجات خواهد داد. واقعاً هم همین جور است؛ الان در کشور، هم در سطوح دولتی، هم در سطوح تحقیقاتی و دانشگاهی، مطالعات وسیعی شروع شده است برای اینکه ما چگونه بتوانیم کشور را با درآمدهای غیرنفتی اداره کنیم؛ این خیلی چیز مهم و خوبی است. آن وقتی که درآمد نفتی به صورت فراوان در اختیار باشد، نه مسئولین دولتی و نه دیگران طبعاً به این فکر نمی‌افتند. شبیه این را ما به طور محسوس و عینی در باب امکانات دفاعی کشور امتحان کردیم. در سالهای دفاع مقدّس، جنگی که بر ما تحمیل شد، قدرتهای مادی شرق و غرب، یعنی هم قدرتهای مادی سرمایه‌داری، و هم قدرتهای مادی سوسیالیستی و کمونیستی، بهترین امکانات جنگی را در اختیار صدام قرار دادند ولی دست ما بسته بود. به ما حتی - آن طوری که مشهور شد و همه دانستند - سیم خاردار هم نمی‌فروختند؛ البته سخت بود اما همین سختی موجب شد که جوانهای ما، صاحبان فکر، صاحبان استعداد و ابتکار به فکر بیفتند، وضع وابستگی ما را به سلاح بیگانه تغییر بدهند. امروز وضعیّت ما به لطف الهی از لحاظ امکانات دفاعی تقریباً از همه‌ی کشورهای این منطقه بهتر و بالاتر است؛ دشمنهای ما هم روی این دارند تکیه میکنند، آنها هم اعتراف میکنند، برای اینکه این را وسیله‌ی فشاری قرار بدهند؛ که البته وسیله‌ی فشار قرار نخواهد گرفت. ما به کوری چشم آنها تقویت بنیه‌ی دفاعی را ادامه خواهیم داد. آن روز در دوران دفاع مقدّس اگر به ما سلاح می‌فروختند، تانک میدادند، موشک میدادند، امکانات میدادند، ما به فکر نمی‌افتادیم که خودمان تولید کنیم؛ خب [اگر] داشتیم، وابستگی باقی میماند، احتیاج به دیگران از بین نمی‌رفت؛ مثل خیلی از کشورهای دیگری که در منطقه‌ی ما هستند و می‌شناسید؛ کشورهایشان انبار سلاح است اما سلاحهای متعلّق به دیگران، وابسته به اراده‌ی دیگران؛ خودشان نه قدرت دارند، نه توان علمی و عملی دارند که از آنها درست استفاده کنند؛ میشدیم مثل آنها؛ امروز به توفیق الهی این جور نیست. پس نیاز برای ما حرکت ایجاد میکند، انگیزه ایجاد میکند. وقتی که دستمان از درآمد نفتی به طور کامل - یعنی درآمد کامل نفتی - کوتاه شد، طبعاً راه‌های جایگزین را میگردیم پیدا میکنیم؛ این کاری است که شروع شده و به توفیق الهی به نتیجه خواهد رسید؛ ملت ایران بعدها ثمره‌ی آن را خواهد چشید، نتیجه‌اش را خواهد دید.

من عرض میکنم ما از تحریم نباید بنالیم؛ از تحریم کننده‌ها هم - که آمریکا و اروپا هستند - توقع زیادی‌ای نباید داشته باشیم؛ حالا من بعداً در بخش [مربوط به] غرب خواهم گفت چرا؛ از اینها نمیشود توقع داشت. ما باید بنشینیم طرحهای مقابله‌ی با تحریم را بررسی کنیم و به طور جدی آنها را دنبال کنیم؛ وظیفه‌ی ما این است؛ هم وظیفه‌ی دستگاه‌های دولتی، هم وظیفه‌ی بخشهای تحقیقاتی مربوط به قوه‌ی مقننه، و هم وظیفه‌ی جوانهای ما و اصحاب فکر و اندیشه در کشور، بنشینند با آگاهی از مسائل کشور، راههای مقابله‌ی با تحریم را بررسی کنند، پیدا کنند؛ و راههای زیادی وجود دارد برای مقابله‌ی با تحریم و خنثی کردن تحریم ظالمانه و خباثت‌آمیز دشمن. البته به من گزارش دادند که مسئولین بالای دولتی دارند این راهکارهای مقابله‌ی با تحریم را تدوین میکنند؛ باید در عمل و در اجرا، جدی‌تر، فوری‌تر، و عملی‌تر وارد بشوند؛ مسائل را با تأخیر نبایستی انجام داد.

امروز همه قبول دارند که دشمن در حال جنگ اقتصادی با ما است؛ این را همه میدانند. البته این را که دشمن در حال جنگ با ما است، همیشه ما تکرار میکردیم، میگفتیم، [اما] بعضی باور نمیکردند؛ امروز همه باور کرده‌اند؛ همه‌ی مسئولین فهمیده‌اند و قبول کرده‌اند که دشمن در حال جنگ با ما است. جنگ فقط توپ و تفنگ نیست؛ جنگ اقتصادی، جنگ امنیتی، جنگ اطلاعاتی، جنگ سیاسی، اینها هم جنگ است؛ گاهی خطرناک‌تر از جنگ نظامی هم هست. دشمن در حال جنگ با ما است؛ خب بروز و ظهور این جنگ در امر مسائل اقتصادی است؛ این را همه امروز قبول دارند. ما البته در این جنگ باید دشمن را شکست بدهیم و به توفیق الهی دشمن را شکست خواهیم داد؛ بله، دشمن را شکست خواهیم داد اما این کافی نیست. حرف من و مطالبه‌ی من از مجموع فعالان گوناگون کشور، چه در بخش مسئولین دولتی، چه در بخشهای دانشگاهی، مردمی، عمومی، چیز دیگری است؛ من میگویم ما باید علاوه‌ی بر شکست دشمن، بازدارندگی ایجاد کنیم؛ حرف من این است. گاهی شما دشمن را شکست میدهید اما دشمن منتظر فرصتی میماند و یک ضربه‌ی دیگری بعداً وارد میکند؛ این فایده‌ای ندارد؛ ما باید به نقطه‌ای برسیم خودمان را که بازدارنده باشد؛ یعنی دشمن احساس کند که از رخنه‌ی اقتصادی، از معبر مسائل اقتصادی نمیتواند به کشور عزیز ما ضربه وارد کند و به ملت فشار بیاورد؛ باید به اینجا برسیم؛ بازدارندگی؛ این هم ممکن است، همچنان که باز اینجا از مسائل نظامی مثال بزنم - در مسائل نظامی خوشبختانه وضعیت ما این جور است. یک روزی بود که ما می‌نشستیم و هواپیمای دشمن می‌آمد در ارتفاع بالا و شهرهای ما را

بمباران میکرد، ما هم وسیله‌ی دفاعی در این حد نداشتیم، یا [وقتی] موشک میفرستاد وسیله‌ای نداشتیم برای مقابله؛ بعد که امکانات پیدا کردیم، امروز دشمنان ما -حدّ اقل در منطقه؛ آنهایی که در منطقه هستند یا در منطقه نیرو دارند- میدانند که جمهوری اسلامی با موشکهای نقطه‌زن و فعال و دقیق خود در این منطقه با هر دشمنی میتواند مقابله کند و مواجهه کند و او را بکوبد؛ این را فهمیدند. این بازدارندگی است؛ این معنایش این است که دشمنانی که گاهی هوس تهاجم نظامی به سرشان میزند، ملاحظه کنند؛ بفهمند که نه، این جوری نیست، جمهوری اسلامی، مشت محکم و دست قوی‌ای دارد در مقابل؛ این میشود بازدارنده؛ ما در مسائل اقتصادی باید به اینجا برسیم. این بنابراین فرصتی است که در سایه‌ی تحریم دشمنان در اختیار ما است؛ امروز میتوانیم روی این زمینه کار کنیم؛ این بحث اول.

گفتم چشممان به غربی‌ها نباشد. وارد بحث دوم میشوم که مسئله‌ی مواجهه‌ی با قدرتها و دولتهای غربی است؛ در این زمینه، ما خیلی حرف داریم. من میگویم برای اینکه ما در خودمان، این قدرت بازدارندگی اقتصادی را به وجود بیاوریم، بکلی باید از کمک و همراهی غربی‌ها چشم پوشیم، منتظر آنها نباید باشیم. برای خاطر اینکه غربی‌ها نشان دادند که نمیتوان از آنها انتظار کمک داشت؛ انتظار توطئه میشود داشت، انتظار خیانت میشود داشت، انتظار خنجر از پشت زدن میتوان داشت، [اما] انتظار کمک و صداقت و همراهی نمیشود داشت. آنجایی که شما می‌بینید غربی‌ها به یک دولتی، به یک کشوری کمک میکنند، در حقیقت برای خودشان دارند کار فراهم میکنند. بله، غربی‌ها به رژیم طاغوت کمک میکردند اما این در واقع کمک به او نبود، کمک به فروش سلاح خودشان بود، کمک به تسلط بی‌قید و شرطشان بر نفت کشور بود، کمک به وجود ۶۰ هزار نیروی مستشار نظامی در کشور بود. آن روزی که انقلاب پیروز شد، حدود ۶۰ هزار نیروی آمریکایی در کشور -عمدتاً در تهران- متمرکز بودند، از بیت‌المال مسلمانها میخوردند و برای خودشان کار میکردند. اگر یک جایی کمکی هم بکنند، در واقع کمک به خودشان است، کفّی خودشان را دارند سنگین میکنند، از آنها انتظار کمک نمیشود داشت. این مخصوص ما هم نیست، این جور نیست که ما بگوییم غربی‌ها [فقط] با جمهوری اسلامی این جوری هستند یا بگوییم با ایران این جور هستند؛ نه، با همه‌ی کشورهای که زورشان به آنها برسد، رفتار کشورهای غربی این است؛ ببینید، سه قرن پدیده‌ی استعمار -استعمار کشورهای ضعیف- صدها میلیون جمعیت را فشرده و پدرشان را درآورده و زیر فشار قرار داده؛ اروپایی‌ها -آن روز، آمریکایی در بین نبود- در آسیا، در آفریقا، در آمریکای

لاتین، کشورها را استعمار کردند و مکیدند، منابع آنها را به سود خودشان خالی کردند و بردند و آنها را از پیشرفت علمی و عملی و فناوری مانع شدند و عقب انداختند. این پدیده‌ی استعمار، مخصوص ما هم نبود؛ مال همه‌ی کشورهای دیگری بود که زورشان به آن کشورها رسیده بود. در مورد ایران، از اواسط قاجار، اروپایی‌ها به ما ضربه زدند. در جنگهای ایران و روس، انگلیس‌ها به ایران خیانت کردند؛ به عنوان واسطه وارد میدان شدند، اما از پشت خنجر زدند. در قضیه‌ی امتیاز تنباکو، در قضیه‌ی امیرکبیر و رفتاری که با امیرکبیر کردند؛ فشارهای انگلیس‌ها و سفارتخانه‌های اروپایی در تهران بود که پادشاه ابله قاجار را وادار کرد خون امیرکبیر را بریزد و او را که میتوانست ایران را متحوّل کند، کنار بگذارد. [همچنین] رفتار اروپایی‌ها در روی کار آوردن حکومت دیکتاتوری رضاخان، رفتار اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها در ساقط کردن دولت مصدّق، رفتار آنها در قضایای گوناگون اقتصادی و سیاسی و امنیتی ما و رفتار آنها در قضیه‌ی جنگ تحمیلی و بعد هم رفتار آنها در قضیه‌ی تحریم؛ اینها را ما نباید از یاد ببریم. غربی‌ها با ما همیشه همین جور رفتار کرده‌اند؛ نمیتوانیم به آنها هیچ امیدی داشته باشیم. در همین قضیه‌ی اخیر، در قضیه‌ی برجام، وظیفه‌ی اروپایی‌ها چه بود؟ خب یک قرارداد هفت‌جانبه‌ای بسته شده بود - شش کشور و ایران این طرف؛ هفت کشور - یک طرف که آمریکا است خارج شد؛ وظیفه‌ی طرفهای دیگر چه بود؟ وظیفه‌ی اروپایی‌ها این بود که می‌ایستادند در مقابل آمریکا، میگفتند ما به تعهد خودمان پایبندیم؛ تعهد آنها این بود که تحریمها به طور کلی برداشته بشود؛ باید محکم می‌ایستادند، [اما] با بهانه‌های مختلف نایستادند. علاوه بر اینکه در مقابل آمریکا نایستادند، خودشان هم در عین اینکه مدام به ما تأکید کردند و میکنند که «نبادا از برجام خارج بشوید»، عملاً از برجام خارج شده‌اند؛ یعنی حتی تحریمهای جدیدی را علیه ایران به وجود آورده‌اند. این رفتار اروپایی‌ها است؛ از اینها میشود توقع داشت؟ این کانال مالی‌ای هم که اخیراً مدام گفته میشود یک کانال مالی درست کرده‌اند، این به شوخی شبیه‌تر است؛ البته شوخی تلخی است. این هیچ معنی‌ای ندارد؛ آن چیزی که وظیفه‌ی آنها است با آنچه آنها دارند مطرح میکنند زمین تا آسمان فرق میکند. در آخرین مسئله‌ی بین‌المللی ما، باز اروپایی‌ها مثل گذشته از پشت خنجر زدند، به ما خیانت کردند. از اینها توقع نمیشود داشت؛ هیچ توقعی نمیشود داشت.

ببینید! به طور کلی من این را به شما عرض بکنم؛ این نتیجه‌ی مطالعات فراوان و مشاهده‌ی تجربیات خودمان و تجربیات دیگران است: من عرض میکنم سیاست و قدرت در غرب، در

دولت‌های غربی اعم از آمریکا و اروپا، هم ظالم است، هم زورگو است، هم بی‌منطق است، هم زیاده‌خواه است. اینها هیچ منطقی سرشان نمیشود؛ با منطق واقعاً [بیگانه‌اند]. در باطن، سیاستمداران غربی آدمهایی هستند به معنای واقعی کلمه وحشی. تعجب نکنید؛ بله، کت و شلوار میپوشند، کراوات میبندند، ادکلن میزنند، کیف سامسونت دستشان میگیرند، اما وحشی‌اند؛ عملاً کارهای وحشی‌ها [را میکنند]. شما ملاحظه کنید در همین قضیه‌ی اخیر نیوزیلند و کشتار مسلمانان، خب در دو مسجد یک نفری وارد میشود، ده‌ها نفر را به رگبار میبندد، بیش از پنجاه نفر آنها را به قتل میرساند، شهید میکند؛ خب این اسمش تروریسم نیست؟ اروپایی‌ها، نه سیاستمداران‌شان، نه مطبوعات‌شان حاضر نشدند نام حرکت تروریستی روی این کار بگذارند؛ گفتند حرکت مسلحانه! این حرکت مسلحانه است؟ پس تروریسم چیست؟ هر جایی که یک حرکتی علیه یک فرد حتی انجام بگیرد که مورد علاقه‌ی آنها است، آنجا تروریسم و حقوق بشر و همه چیز ردیف میشوند برای مقابله اما اینجا - به این وضوح - به این حرکت، [حرکت] تروریستی نمیگویند! اینها این جوری هستند.

کشوری در این منطقه و شاید در همه جای دنیا، به بدی دولت سعودی من سراغ ندارم؛ دولت سعودی، هم مستبد است، هم دیکتاتور است، هم ظالم است، هم وابسته است، هم فاسد است. برای این دولت این جوری، امکانات هسته‌ای فراهم میکنند؛ اعلان کردند که نیروگاه هسته‌ای برایش میسازند، اعلان کردند که مراکز تولید موشک برایش درست میکنند! آنجا اشکالی ندارد؛ آنجا چون وابسته‌ی به آنها است، چون متعلق به آنها است، اشکال ندارد که بسازند. حالا البته دارند اعلان میکنند، اگر هم بسازند، بنده شخصاً ناراحت نمیشوم؛ چون میدانم که اینها ان‌شاءالله در دوران نه چندان دوری، به دست مجاهدان اسلامی خواهد افتاد.

بنابراین، شرارت و شیطنت، طبیعت قدرتهای غربی است، آمریکا و اروپا هم ندارد؛ البته آمریکا شرورتر است، شرارت آمریکا به دلایل مختلف بیشتر است، مخصوص این شخصی هم که حالا در رأس دولت آمریکا است، نیست، [بلکه] سیاستشان این است. به من گزارش دادند که در همین قضایای اخیر، کنگره‌ی آمریکا - این آمار جالبی است - در سالهای ۹۶ و ۹۷، ۲۲۶ طرح و لایحه علیه جمهوری اسلامی، یا تصویب کرده، یا ارائه کرده! ۲۲۶ طرح ضدیت و خباثت علیه جمهوری اسلامی؛ شرارت است دیگر. حالا البته اینجا من یک گله‌ای هم از مجلس خودمان بکنم: مجلس شورای اسلامی خودمان چند طرح و لایحه در مقابل خباثتهای آمریکا ارائه کرده‌اند یا تصویب کرده‌اند؟ خب، پس این قدرتهای غربی این [طور] هستند، از اینها انتظار

نمیشود داشت.

البته در داخل متأسفانه بعضی‌ها غرب را بزک میکنند، بدی‌های غرب را توجیه میکنند، رتوش میکنند، نمیگذارند افکار عمومی متوجه بشود که همین دولتهای ظاهرالصّلاح - مثل فرانسه، مثل انگلیس، مثل دیگران - در باطنشان چقدر شیطنت و شرارت وجود دارد؛ مطبوعاتچی‌ها بینشان هست، رسانه‌ای‌ها بینشان هست؛ مثل تقی‌زاده. در دوره‌ی طاغوت، آدمی مثل تقی‌زاده، به این مضمون گفت که ایران باید از فرقی سر تا ناخن پا غربی بشود؛ یعنی سبک زندگی در ایران باید غربی بشود. امروز هم تقی‌زاده‌های جدید از این حرفها میزنند؛ البته به این صراحت نمیگویند اما مضمون حرفشان این است. آنهایی که افکار غربی را، سبک زندگی غربی را، روشهای غربی را، لغات غربی را به طور پیوسته در داخل، در ادبیات ما، در افکار ما، در دانشگاه‌های ما، در مدارس ما تزیق میکنند، پمپاژ میکنند، اینها همین تقی‌زاده‌های جدیدند. آنهایی که پشت سر سند ۲۰۳۰ - سند ۲۰۳۰ یعنی برگرداندن سبک زندگی اسلامی به زندگی غربی - می‌ایستند، همان تقی‌زاده‌های امروز هستند؛ البته امروز به توفیق الهی جوانهای مؤمن ما و مردم انقلابی ما نخواهند گذاشت این تقی‌زاده‌ها حرفشان به کرسی بنشیند.

این نکته را توجه کنید، چون بعضی‌ها مغالطه میکنند من [این را] بگویم. این حرفهایی که من میزنم به هیچ وجه به معنای قطع رابطه‌ی با کشورهای غربی نیست؛ ارتباط مانعی ندارد. بنده در دولتهای مختلف، در طول این سالها همیشه دولتها را به ایجاد رابطه با کشورهای مختلف تشویق کرده‌ام؛ با همسایگان یک جور، با کشورهای اسلامی یک جور، با حرکت‌های مختلف یک جور، با کشورهای اروپایی هم همین جور؛ الان هم معتقدم. ارتباط اشکال ندارد، دنباله‌روی اشکال دارد، اعتماد اشکال دارد؛ من میگویم اعتماد نکنید. شاید بسیاری یا لاقط بعضی از مشکلات ما ناشی از این است که به غربی‌ها اعتماد شد؛ در مذاکرات گوناگون، در قراردادهای گوناگون، در تصمیم‌گیری‌های سیاسی گوناگون، به غربی‌ها اعتماد شد. ارتباط مانعی ندارد، ارتباط پیدا کنید، منتها طرفتان را بشناسید؛ با لبخند آنها، با ترفند آنها، با سخن دروغ آنها، راه را اشتباه نکنید، عوضی نروید؛ حرف من این است؛ ارتباط هیچ مانعی ندارد. البته امروز خوشبختانه مسئولین دولتی ما به این نتیجه رسیده‌اند که با غربی‌ها نمیشود درست در یک مسیر حرکت کرد؛ این را احساس کرده‌اند؛ شاید در آینده ان‌شاءالله رفتارها و برخوردها - بر اثر این فهم جدیدی که در مسئله پیدا شده - تفاوت پیدا کند.

البته حالا که یک مقداری در مورد غرب صحبت کردم این را هم عرض بکنم: ببینید دو گرایش متضاد در مورد غرب هست که هر دو غلط است؛ یک گرایش عبارت است از تحجر و تعصب بیجا و ندیدن مثبتات غرب؛ غربی‌ها در دانش، حرکت خوبی کردند، همت کردند، پیشرفت کردند، دنبال‌گیری کردند؛ در فناوری همین جور، در بعضی از خصوصیات اخلاقی، که من بارها در سخنرانی و غیره اینها را گفته‌ام؛ اینها را نباید رد کرد. ما هر چیز خوب را از هر جای دنیا باید بگیریم. بارها من گفته‌ام، ما حرفی نداریم شاگردی کنیم؛ پیش هر کسی که بیشتر از ما بلد است، ما شاگردی میکنیم، حرفی نداریم؛ منتها سعی‌مان باید این باشد که همیشه شاگرد نمائیم؛ بنابراین تحجر در مقابل غرب و تعصب بیجا در مقابل غرب که بگوییم هر چه از غرب می‌آید، هر چه باشد غلط است، نه؛ این را ما نمیگوییم و قبول نداریم. نقطه‌ی مقابلش غرب‌زدگی است؛ غرب‌زدگی خطر بزرگی است. در دل حکومت غرب‌زده‌ی پهلوی، یک روشنفکر ریشه‌دار در مسائل دینی، یعنی مرحوم جلال آل‌احمد که عالم‌زاده و پسر یک روحانی و دارای ارتباطات دینی است - با ما هم بی‌ارتباط نبود، به امام هم اظهار ارادت و علاقه میکرد در دوران تبعید امام - آن روز در سال ۴۲ مسئله‌ی غرب‌زدگی را مطرح کرد. امروز مسئله‌ی غرب‌زدگی مسئله‌ی مهمی است؛ باید فراموش نکنیم آن را. خب پس بنابراین گرایش تعصب‌آمیز و تحجرآمیز از سویی، گرایش غرب‌زده از سویی، [هر دو] غلط است؛ نسبت به غرب همان طور که گفتم اعتماد نمیشود کرد؛ ارتباط باید داشت، [ولی] تکیه‌ی به آنها نباید کرد؛ از علم آنها و از مثبتات آنها باید استفاده کرد و [ولی] مطلقاً به آنها اطمینان نباید کرد؛ این حرف ما [است]. این [هم] مطلب دوّم.

حالا مطلب سوّم که به این مناسبت وارد مسئله‌ی اقتصاد [میشویم]. حالا [که] به غرب اعتماد نمیکنیم؛ چه کار کنیم برای اقتصاد کشور؟ مسئله‌ی اقتصاد کشور مسئله‌ی مهمی است. عرض بنده این است: برای شکوفایی اقتصاد کشور، به کاری احتیاج داریم که هم مجاهدانه باشد، هم عالمانه باشد. با تنبلی، با بی‌حالی، کم‌انگیزی، مسئله‌ی اقتصاد کشور حل نخواهد شد. کار جهادی باید انجام بگیرد، مدیریت‌های جهادی باید بر مسائل اقتصادی کشور احاطه داشته باشند، تصمیم‌گیری کنند؛ کار جهادی. کار جهادی یعنی کاری که هم در آن تلاش هست، خستگی‌ناپذیری هست، هم اخلاص هست؛ [یعنی] انسان میفهمد که برای خودش، برای پُر کردن کیسه‌ی خودش کار نمیکند، دارد برای مردم کار میکند، برای خدا کار میکند؛ هم این، و هم عالمانه؛ یعنی بنشینند و با موازین علمی، با شیوه‌ی دقیق عالمانه راه‌های صحیح را پیدا

کنند؛ هم باسواد باشند، کارآمد باشند، هم امکانات گوناگونی داشته باشند؛ اینها بنشینند کار کنند؛ اقتصاد کشور قطعاً شکوفایی پیدا خواهد کرد.

بنده اقتصاددان نیستم اما حرفهای کارشناس‌ها را میخوانم، مطالعه میکنم، از اینها نظر میخواهم، نظرهای آنها را کاملاً بادقت میبینم. کارشناس‌های ما معتقدند که ظرفیتهای کشور برای شکوفایی اقتصاد، ظرفیتهای بسیار آماده و مستعد و کاملی است. ما کمبود نداریم. ظرفیت نیروی انسانی ما بسیار خوب است، ظرفیتهای طبیعی ما بسیار خوب است، ظرفیت جغرافیایی ما بسیار خوب است که من در بیانیه‌ی گام دوم مقداری از این ظرفیتهای را تشریح کردم که این ظرفیتهای وجود دارد؛ بنابراین ظرفیتهای هست، پول هم وجود دارد در کشور. این نقدینگی‌ای که مرتب گله میکنند و شکوه میکنند که نقدینگی زیاد شده - و درست هم هست و البته نقدینگی اگر مورد توجه قرار نگیرد ضربه خواهد زد- اگر یک مدیریت خوبی انجام بگیرد و همین نقدینگی تبدیل بشود به سرمایه‌گذاری، کشور را شکوفا خواهد کرد، اقتصاد را بالا خواهد برد. بنابراین ظرفیت کاملاً در کشور وجود دارد.

البته برخی از دستگاه‌های دولتی خوب عمل کرده‌اند. اینکه بعضی خیال میکنند که هیچ حرکتی انجام نگرفته، نه، این جور نیست؛ بعضی از دستگاه‌های دولتی عمل کرده‌اند، خوب عمل کرده‌اند؛ در بخشهای مختلف -بخش کشاورزی، بخشهای آب، بخشهای خاک، بخشهای رسیدگی به برخی از مناطق، کارهای زیربنایی- کارهای خوبی انجام گرفته. البته در بعضی از بخشها هم نه، رخوت و کوتاهی وجود دارد. گاهی در بعضی از موارد کار با تعلل و تأخیر انجام میگیرد. در یک نامه‌ای به نظرم در سال ۹۳ یا ۹۴ یکی از مسئولین عالی‌رتبه به بنده نوشته بود که ما برای اصلاح امور بانکی کشور، مسئله‌ی بانک، اصلاح موارد بانکی - که یکی از مشکلات اقتصادی ما مشکلات بانکی است- لایحه‌ای داریم تنظیم میکنیم که تا چند ماه دیگر این لایحه به مجلس خواهد رفت. به من گزارش دادند که الان چهار سال از آن وقت میگذرد، هنوز این لایحه به مجلس نرفته! اینها تأخیر است، اینها تعلل است. آن بخشهایی که خوب کار کرده‌اند باید تشویق بشوند، [به] آن بخشهایی که تأخیر داشته‌اند بایستی تذکر داده بشود، بنده هم تذکر داده‌ام؛ این حرفها را آن وقتی بنده در مجمع عمومی و در مقابل آحاد وسیع مردم میگویم که بارها به طور خصوصی به خود حضرات تذکر داده‌ایم. اینها باید به بخشهایی از افکار عمومی و مطالبات عمومی تبدیل بشود.

به تولید باید کمک بشود. ما گفتیم «رونق تولید». امسال، باید سال رونق تولید باشد. سال گذشته که حمایت از کالای ایرانی را مطرح کردیم، حرکت خوبی انجام گرفت؛ مردم اجابت کردند، بعضی از تولیدکنندگان واقعاً اجابت کردند. ما اطلاع داریم که خود مردم در مراجعاتشان به فروشگاه‌ها - بسیاری از مردم - مطالبه‌ی جنس ایرانی و کالای ایرانی کردند؛ مشابه خارجی‌اش را آوردند، قبول نکردند؛ یعنی کار پیشرفت کرد. اما اگر بخواهیم بگوییم به طور کامل به آن عمل شد، نه، این را من نمیتوانم بگویم، گزارشها بر خلاف این است. بنابراین آن شعار حمایت از کالای ایرانی همچنان به قوت خودش باقی است؛ اما این مسئله‌ی اصلی و اساسی، رونق تولید است. اگر تولید شد، آن وقت در بخشهای مختلفی تحوّل ایجاد خواهد شد؛ اگر رونق تولید وجود داشته باشد، هم تأثیر میگذارد در اشتغال، هم تأثیر میگذارد در کم کردن تورم، هم حتی تأثیر میگذارد در وضع توازن بودجه، هم تأثیر میگذارد در بالا رفتن ارزش پول ملی. ببینید، اینها همه مشکلات مهم اقتصادی ما است. صاحب‌نظران و کسانی که مطلع از مسائل اقتصادی هستند، تصدیق میکنند، تأیید میکنند که اگر تولید در کشور رونق پیدا بکند، مسلماً یک چنین فواید و نتایجی خواهد داشت. این باید انجام بگیرد و در برنامه قرار بگیرد؛ هم در برنامه‌ی دولت، هم در برنامه‌ی مجلس، هم در برنامه‌ی آحاد مردمی که توانایی ورود در وادی تولید را دارند. ما کسانی را داشتیم و می‌شناختیم افرادی را که پول داشتند، امکانات داشتند، میتوانستند این پول را بگذارند در بانک و از منافعش سالها بی‌دردسر استفاده کنند، [اما] این کار را نکردند، [بلکه] پول را بردند در مسئله‌ی تولید و گفتند میخواهیم کشور پیش برود. اینها پیش خدا اجر دارند؛ این کسانی که این جور عمل میکنند، پیش خدای متعال اجر دارند. بایستی به تولیدکننده کمک بشود، به سرمایه‌گذار کمک بشود، به فعال اقتصادی باید کمک بشود - فعال اقتصادی سالم - به کسی که برای کشور ثروت‌آفرینی میکند باید کمک بشود، در بهبود فضای کسب و کار بایستی حتماً تلاش بشود؛ با قوانین لازم، با روشها و رویه‌های لازم.

یک شرط دیگر هم این است که از سوءاستفاده‌ها غفلت نشود. بعضی‌ها سوءاستفاده کردند؛ سوءاستفاده میکنند؛ سوءاستفاده‌چی وجود دارد؛ انواع و اقسامی هم [دارد]؛ این ابتکار ایرانی، این ذهن مبتکر ایرانی همین جور که در کارهای خوب به درد میخورد، در شیطنت هم گاهی اوقات همین ابتکارها به وجود می‌آید؛ یک روشهای عجیب و غریبی را برای سوءاستفاده انسان میبیند و در گزارشها مشاهده میکند. خب، مسئولین بایست مراقبت کنند؛ هم قوه‌ی مجریه،

هم قوه‌ی قضائیه؛ دستگاه‌های ناظر بایست مراقبت کنند؛ من این را به رئیس‌جمهور محترم گفتم. ایشان در اظهار عمومی گفتند که ما می‌خواهیم کارخانه‌های فلان جا را بفروشیم؛ من گفتم مراقب باشید؛ [چون] طرف می‌آید کارخانه را از شما می‌خرد؛ نه به قصد اینکه کار را ادامه بدهد و تولید را ادامه بدهد؛ کارخانه را می‌خرد، ماشین‌آلات را می‌فروشد، زمین را هم برج درست میکند، کارگرها را هم بیرون میکند. مراقب یک چنین افرادی باید بود، مراقب این سوءاستفاده‌کن‌ها باید بود. طرف می‌آید بانک ایجاد میکند با استفاده از اجازه‌ی توسعه‌ی بانک‌ها - که یکی از کارهای غلطی که در کشور شد این است که اجازه می‌دهند همین طور پشت سر هم بانک به وجود بیاید - پولهای مردم را جمع میکنند، بعد شرکتهای صوری درست میکنند، پولهای مردم را به عنوان قرض، وام و تسهیلات بانکی به شرکتهای خودشان می‌دهند، جیب خودشان را پُر میکنند، از این کارها دارند میکنند، اینها را بایستی مراقبت کرد، از اینها غفلت نباید کرد. اگر جلوی اینها گرفته بشود و در مقابل به کارآفرین سالم کمک بشود و تولید رونق پیدا بکند، کارشناسان می‌گویند که آن وقت مشکل بیکاری حل میشود، مشکل تورم حل میشود، مشکل فقر در طبقات ضعیف حل میشود، معضل نظام بانکی حل میشود، مسئله‌ی ارزش پول ملی حل میشود، حتی مسئله‌ی کسری بودجه‌ی دولت با رونق تولید حل میشود؛ اینها را میتواند از این طریق حل کند. بنابراین مسئله، مسئله‌ی مهمی است.

تولید هم که ما می‌گوییم، فقط تولید صنعتی را نمی‌گوییم؛ تولید صنعتی، تولید کشاورزی، دامداری، صنایع بزرگ، صنایع متوسط، صنایع کوچک، حتی صنایع دستی، حتی صنایع خانگی، حتی تربیت دام - چند دام در خانه‌های روستایی - که خود این بمراتب کمک خواهد کرد به گسترش رفاه عمومی در جوامع. اینها را باید بنشینند برنامه‌ریزی کنند؛ البته سهم صنایع دانش‌بنیان خیلی زیاد است، باید توجه بشود.

از واردات بی‌رویه باید جلوگیری بشود. یکی از بخشهای مهم و بندهای مهم اقتصاد مقاومتی که ما مطرح کردیم و دائم دیگران - دوستان؛ مسئولین و غیر مسئولین - مرتباً از اقتصاد مقاومتی دم می‌زنند و شعار میدهند و توضیح میدهند، همین مسئله‌ی تولید داخلی است؛ و شرط رونق تولید داخلی، کنترل واردات بی‌رویه است. حالا به من گزارش داده میشود که ما داریم برای اقتصاد مقاومتی این کارها را [می‌کنیم]، این برنامه‌ها را چیده‌ایم و داریم انجام میدهیم؛ بسیار خوب، مطمئناً این گزارشها مطابق با واقع است، یعنی کار را کرده اند؛ اما تحقق عملی پیدا نکرده، دلیلش این است که واردات می‌آید، انسان می‌بیند بازار پُر از واردات است؛

تولید داخلی را به شکست میکشانند. چیزی که در داخل تولید میشود، از خارج وارد میکنند؛ این موجب میشود که تولید داخلی شکست بخورد. مسئولین جلوی اینها را باید بگیرند و [اینها] مسائل مهمی است. آن وقت اقتصاد مقاومتی به معنای واقعی کلمه انجام خواهد گرفت. من در یک جمله عرض میکنم که دستگاه‌های دولتی متمرکز بشوند امسال در رونق بخشیدن به تولید و اگر مقرراتی لازم دارد، از مجلس بخواهند که مجلس اقدام کند، اگر در بخشهایی به حضور قوه قضائیه و دستگاه‌های نظارتی دیگر نیاز هست، از آنها بخواهند - در همین جلسه‌ای که ما گفتیم، آقایان دور هم جمع میشوند؛ [جلسه‌ی] مسئولین قوا- بخواهند و اقدام کنند و همکاری کنند؛ بالاخره تولید باید در داخل رونق پیدا کند؛ این هم مطلب سوم. مطلب پایانی امروز من خطاب به جوانان، یعنی خطاب به عموم ملت است بخصوص جوانان. من اولاً باید عرض بکنم که تجاوب (۵) قشرهای مختلف از نخبگان و آحاد جوانان و دانشجویان و روحانیون و طلاب و دیگران به این بیانیه‌ی چهلمین سال، بیانیه‌ی گام دوم، بسیار بجا و خرسندکننده بود. این نشان‌دهنده‌ی این است که نیاز به تبیین وجود دارد و آمادگی در کل کشور بخصوص در بین جوانها هست؛ از این آمادگی حداکثر استفاده را مسئولین کشور باید بکنند. عرض من این است که جوانها باید شانسان را زیر بار مسئولیتهای دشوار کوچک و بزرگ بدهند؛ علاج مشکلات کشور این است. ما در گام دوم انقلاب بایستی حرکت کشور را بر دوش جوانها قرار بدهیم همچنان که در گام اول در دوره‌ی انقلاب هم هدایت را امام میکرد اما حرکت را و موتور پیشرفت را جوانان روشن میکردند، حرکت را آنها به وجود می‌آوردند. امروز تلاش شما و سعی شما این است که استقلال کشور را و عزت کشور را تأمین کنید؛ هزینه‌ی این کار را شما امروز دارید بدهید؛ [هزینه‌ی] امروز ملت ایران و جوانان ما، هزینه‌ی رسیدن به استقلال کامل - در جهات مختلف - و به عزت ملی و به جامعه‌ی اسلامی است؛ نسلهای بعد، از این دست‌آورد شما استفاده خواهند کرد؛ همچنان که یک روز جوانها، هزینه‌ی مبارزه‌ی با دستگاه طاغوت را قبول کردند و دادند، زندانش را رفتند، کتکش را خوردند و انقلاب بحمدالله به پیروزی رسید، نظام طاغوت ویران شد؛ یا در دوران جنگ تحمیلی خانواده‌ها هزینه‌ی دفاع از کشور را دادند و امروز شما در امنیت دارید زندگی میکنید؛ امروز هم شما باید هزینه‌ی ایستادگی در مقابل دشمن را بدهید تا نسلهای آینده ان شاءالله از دست‌آورد شما استفاده کنند.

عرض من این است که آنچه در گام دوم انقلاب باید اتفاق بیفتد، اولاً شناختن و جدی گرفتن

داشته‌های خود [است]؛ داشته‌های خودمان را بایستی بشناسیم و آنها را جدی بگیریم؛ مزیت‌های خود، ظرفیت‌های خود، مزیت‌های کشور، ظرفیت‌های کشور، اینها را باید بشناسیم، جدی بگیریم اینها را، اینها را به کار بگیریم و از اینها استفاده کنیم؛ کشور خیلی ظرفیت وسیعی دارد؛ ثانیاً، آنها را بشناسیم، فسادها را بشناسیم، راه‌های رخنه‌ی دشمن را بشناسیم و در مقابل آنها به طور جدی ایستادگی کنیم. امروز گام دوم انقلاب این است: شناختن ظرفیت‌ها و مزیت‌ها و استفاده‌ی از آنها، و شناختن فسادها و رخنه‌ها و کمبودها و مشکلات و سینه سپر کردن برای حل آنها. به این توجه کنید که غرب و آمریکا به این نتیجه رسیده‌اند که اگر ملت ایران یک چیزی را اراده کند، حتماً به دست خواهد آورد؛ به این نتیجه رسیده‌اند که با اراده‌ی ملی ملت ایران نمیشود مبارزه کرد؛ اگر [ملت ایران] اراده کردند، مانع تراشی و سنگ‌اندازی فایده‌ای نخواهد کرد. چه کار میکنند؟ به این نتیجه رسیده‌اند که بایستی کاری کنند که ملت ایران اراده نکند، اراده‌اش ضعیف بشود؛ در فکر این هستند. امروز در دنیا میلیاردها پول دارد خرج میشود برای اینکه در اعتقادات سیاسی و دینی جوانان ما رخنه ایجاد کنند تا اراده‌ی حرکت، اراده‌ی قیام در اینها از بین برود؛ میخواهند اراده را از بین ببرند، میخواهند شما تصمیم نگیرید. تلاش آنها این است که نگذارند اراده‌ی ملت ایران برای پیشرفت، برای مقابله، برای ایجاد جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی شکل بگیرد؛ میدانند که اگر این اراده شکل گرفت، بدون تردید تحقق پیدا خواهد کرد. البته قبلها و سالها پیش هم این کار را انجام داده‌اند؛ در دوران رژیم طاغوت به جامعه‌ی جوان کشور این جور تفهیم میکردند که اگر میخواهید به تمدن و پیشرفت برسید باید دین را کنار بگذارید؛ میگفتند دین و دین‌داری و ایمان دینی با علم و پیشرفت و مانند اینها نمیسازد. امروز بیایند چشم‌های کورشان را باز کنند، ببینند که بهترین صنایع ما، پیشرفته‌ترین صنایع بزرگ ما که در رقابت با کشورهای درجه یک دنیا در صدر فهرست قرار داریم، به وسیله‌ی جوانهای دعای کمیل‌خوان و نماز شب‌خوان دارد پیشرفت میکند؛ جوانهای اهل اعتکاف، جوانهای اهل دعای ندبه، جوانهای متدین. ما در بحث‌های صنایع پیشرفته‌ی امروز دنیا، در نانو، در هسته‌ای، در موشکی، در فناوری زیستی و در بقیه‌ی فنون پیشرفته‌ی دنیا، امروز ما در رقم‌های بالا قرار داریم، در صفوف مقدم قرار داریم؛ عمده‌ی کسانی که این کارها را میکنند، جوانهای متدین که ما از نزدیک با خیلی از اینها آشنا هستیم، هستند. جوانها در میدان علم، در میدان فکر و معرفت، در میدان سیاست، در میدان کار باید تلاش خود را مضاعف کنند؛ جوانها به مسائل فرعی و حاشیه‌ها نپردازند؛ به

مسائل اختلاف‌افکن نپردازند؛ وحدت را، حرکت متمرکز را، حرکت‌های مؤمنانه و مجاهدانه را، جوانها دنبال کنند؛ در همین بخشهایی که گفته شد، مرزهای با دشمن را پُررنگ کنند؛ اما با خودی، با نیروهای داخلی، به اندک اختلاف سلیقه‌ای مرز ایجاد نکنند. همان طور که امام فرمودند، هر چه فریاد دارند بر سر دشمنان و بر سر آمریکا بکشند. دولت و مجلس و قوه‌ی قضائیه و دیگران هم هر چه میتوانند به جوانهای کشور کمک کنند برای این پیشرفت. و من به شما عرض بکنم -همچنان که بارها گفته‌ایم- به فضل الهی فردای این کشور بسیار بسیار بهتر از امروز ما خواهد بود؛ به توفیق الهی و ان شاءالله.

پروردگارا! به حقّ محمد و آل محمد آنچه گفتیم و آنچه انجام میدهیم، برای خودت و در راه خودت قرار بده و آن را از همه‌ی ما قبول بفرما؛ ما را سربازان واقعی اسلام و مجاهدان واقعی راه حق قرار بده؛ سلام ما را به حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) برسان؛ دعای آن بزرگوار را شامل حال ما بفرما؛ ارواح طیبه‌ی شهدا و روح مطهر امام بزرگوار را با اولیائشان محشور بفرما.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته